

قدرت نرم و سیاست خارجی ایران در قبال تحولات کشور سوریه از ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۲

علی جدیدی^۱، سید محمدرضا موسوی^۲، وحید صالحی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۱۵

چکیده:

در عرصه جدید سیاست بین‌الملل، یکی از ابزارهایی که واحدهای سیاسی به منظور دستیابی به اهداف و منافع ملی و راهبردی خود به کار می‌گیرند قدرت نرم است. در سال‌های اخیر با توجه به اهمیت قدرت نرم در دستیابی به اهداف ملی جمهوری اسلامی ایران سعی در افزایش و بهره‌وری بیشتر، از ظرفیت‌های قدرت نرم خود در راستای اهداف استراتژیک خود در تحولات کشور سوریه نموده است. جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از بازیگران منطقه‌ای که نمی‌توانست به تحولات سوریه بی‌تفاوت بماند از راهبرد نرم ویژه‌ای برای اثرگذاری بر این تحولات استفاده کرده است. تحقیق پیش رو با طرح این سوال که در سیاست خارجی ایران در قبال تحولات سوریه، قدرت نرم چه جایگاهی داشته است این فرضیه را مطرح نموده است که مؤلفه سیاست خارجی در قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر امنیت محوری و نقش مردم در تعیین حاکمیت تأثیر بیشتری بر تحولات کشور سوریه داشته است. با وقوع انقلاب اسلامی ایران و شکل‌گیری جمهوری اسلامی مناسبات ایران و سوریه وارد مرحله نوینی شده است. روش مورد استفاده در این پژوهش، تحلیلی و توصیفی می‌باشد.

واژگان اصلی: سیاست خارجی ایران، قدرت نرم، تحولات سوریه، منطقه خاورمیانه.

۱. استادیار علوم سیاسی، واحد انار، دانشگاه آزاد اسلامی، انار، ایران (نویسنده مسئول) jadidi.ali2008@yahoo.com

۲. دانش‌آموخته دکتری علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

۳. دانش‌آموخته دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار، گرمسار، ایران

مقدمه

قدرت مهم‌ترین مؤلفه تعیین‌کننده در سطح بین‌المللی است. جوزف نای از نظر توانایی تأثیرگذاری بر رفتار دیگران برای گرفتن نتیجه مطلوب است و راههای متعددی برای این اثرگذاری وجود دارد مانند: تهدید، متقاعد کردن از طریق پرداخت مالی یا جذب دیگران و همکاری با آن‌ها. به نظر وی در یک طبقه بندی قدرت به دو نوع سخت و نرم تقسیم می‌شود که قدرت سخت متضمن کاربرد استراتژی زور با استفاده از توان نظامی و اقتصادی علیه کشور مقابل است و نتیجه آن ایجاد حساسیت منفی در بین دولت مردان نخبگان و مردم کشورهای مقابل یا مقهور است و لذا پذیرش سیادت کشور قدرتمند از سر ناچاری صورت می‌گیرد درحالی‌که قدرت نرم متضمن کاربرد استراتژی نفوذ در قلب‌ها و بسترسازی محیط سیاسی و اجتماعی در بین مردم نخبگان و دولت مردان کشور مقابل برای پذیرش و اقبال سیاست‌ها، مزیت‌ها، تولیدات، ارزش‌ها و الگوهای کشور قدرتمنداست که با استفاده از توان فرهنگی و رسانه‌ای، جنگ روانی دیپلماسی و انجام می‌پذیرد و نتیجه آن حساسیت مثبت در کشور هدف و پذیرش موقعیت‌الگویی کشور قدرتمند از سر اختیار و اقبال و با علاقه آزاد است. همه کشورها برای افزایش مشروعیت خود در سطح بین‌الملل نیازمند توجه خاص به افزایش قدرت نرم خود هستند. در این تحقیق سعی می‌شود به بررسی تأثیرات قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران بر تحولات سوریه پرداخته شود. سوریه به عنوان یک کشور مهم در منطقه خاورمیانه و خط مقدم کشورهای اسلامی با رژیم صهیونیستی است، به همین دلیل تحولات و سیاست‌های مرتبط با آن همواره نقش عمده‌ای در شکل‌گیری راهبردهای منطقه‌ای داشته است. این کشور آن‌را به میدانی برای چالش راهبردهای دوجانبه منطقه‌ای و بین‌المللی تبدیل کرده است. با این وجود بخش عمده این تحولات و راهبردهای رقیب بر آن در تحولات ۳۵ سال و اخیر ریشه دارد از سال ۱۳۵۷ که جمهوری اسلامی ایران با رویدادی عمده تحت عنوان انقلاب اسلامی ایران مواجه شد. این تقابل راهبردی از جمله تحولات ثابت منطقه خاورمیانه در قبال سوریه است و قدرت‌های خارجی در منطقه و فراتر از آن راهبردهای مختلفی را باهدف تأثیرگذاری بر تحولات این کشور و پیشبرد اولویت‌ها و منافع ملی خودشان در پیش گرفتند. در این میان راهبرد نرم به عنوان یکی از راهبردهای نوین سیاست خارجی کشورها از جمله روش‌های نوین اثرگذار در تحولات سوریه بوده است. جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از بازیگران منطقه‌ای که نمی‌توانست به تحولات سوریه بی‌تفاوت بماند از راهبرد نرم ویژه‌ای برای اثرگذاری بر این تحولات استفاده کرد. هدف اصلی در این مقاله این است که به بررسی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران و

مؤلفه های آن بپردازد؛ از آنجاکه قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران توانسته بر کشورهای منطقه خاورمیانه از جمله سوریه تأثیر بگذارد، باید دانست که بیشتر چه شاخص‌هایی از قدرت نرم جمهوری اسلامی توانسته اثرگذار باشد تا جمهوری اسلامی بتواند با تقویت قدرت نرم خود و شناخت فرصت‌ها و چالش‌های پیش رو تأثیرگذاری بیشتری بر تحولات کشور سوریه داشته باشد.

قدرت نرم

به باور جوزف نای، نظریه پرداز قدرت نرم، ارزش‌های مثبت سیاسی یک کشور در بعد داخلی و خارجی می‌تواند قدرت نرم یک کشور را افزایش دهد. در بعد داخلی، پاسخگو بودن به مردم، رعایت اخلاق و اجرای عدالت، همگی از ارزش‌های مثبت یک حکومت است. در عرصه خارجی، هر حکومتی که میزان تعاملات و مناسباتش در عرصه بین‌الملل و منطقه‌ای با نهادهای دیگر سنجیده تر و همگرا تر باشد و اختلاف‌ها را به حداقل برساند و به معاهدات بین‌المللی پایبند باشد، قدرت نرم آن افزایش می‌یابد؛ زیرا موجب جلب اعتماد دیگران و نشان دادن برآیند مثبت از چهره یک کشور می‌شود و این امر امروزه در بعد سیاست خارجی، منجر به جذب دیگران و افزایش قدرت و نفوذ یک کشور می‌شود (خرمشاد، ۱۳۸۹: ۶۱-۵۹). قدرت نرم یعنی توانایی نفوذ و تأثیرگذاری بر افکار، اندیشه‌ها و اذهان با هدف تحمیل خواست و اراده از طریق جلب نظر و متقاعد ساختن ملت و دولت هدف بدون استفاده از فشار فیزیکی. مفهوم قدرت نرم یکی از مفاهیم نسبتاً مدرن در سطح روابط بین‌الملل است که به وضوح در سطح علمی در دهه نود قرن گذشته پدیدار گشت تا بر اهمیت ابزارهای غیرنظامی در دستیابی به اهداف سیاست خارجی تأکید کند. (مهرنیا، ۱۳۹۹: ۳۹۱) می‌توان قدرت نرم را به‌عنوان مجموعه‌ای از ابزارها و سیاست‌های فرهنگی در جهت اعمال خواسته خود و تأثیرگذاری بر دیگران بدون بهره‌گیری از فشار و اجبار تعریف نمود این قدرت در حقیقت یک قدرت اقتناعی است نه اغوایی، به عنوان نمونه اگر با تبلیغ یا وارونه نشان دادن موضوعی، بتوان دیگران را جذب کرده و بر آنها تأثیرگذاری داشت، این امر را نمی‌توان در چارچوب اعمال قدرت نرم در نظر گرفت؛ جوزف نای واضح و پیش‌برنده ایده قدرت نرم، معتقد است قدرت نرم بر قابل اعتماد بودن استوار است و تبلیغات، فاقد این عنصر است (گلشن‌پژوه، ۱۳۸۷: ۲۵-۲۲).

جوزف نای از پیشگامان طرح قدرت نرم، «در کتاب کاربرد قدرت نرم» بر این عقیده است که: «قدرت توجه ویژه نرم، ای به اشغال فضای ذهنی کشور دیگر از طریق ایجاد جاذبه است نیز زمانی، یک کشور به قدرت نرم دست می‌یابد که بتواند (اطلاعات و دانایی) را به‌منظور پایان دادن به

موضوعات مورد اختلاف به کار گیرد و اختلافات را به گونه ای ترسیم کند که از آن ها امتیاز بگیرد؛ همچنین قدرت نرم، مباحث عقلانی و ارزش های عمومی را شامل می شود و هدف آن، افکار عمومی خارج و سپس داخل است. از اینرو میتوان گفت، قدرت نرم: رفتار توأم با جذابیت قابلرؤیت، اما غیر محسوس است. چه در قدرت نرم و یا قدرت فرهنگی، بر روی ذهنیت ها سرمایه گذاری میشود و از جذابیت برای ایجاد اشتراک بین ارزش ها و همه خواسته ها سود می جوید. از این چشم انداز، قدرت نرم به آن دسته از قابلیت ها و توانایی ها گفته می شود که با به کارگیری ابزارهایی چون فرهنگ آرمان و یا ارزش های اخلاقی، به صورت غیرمستقیم بر منابع و یا رفتارهای دیگر کشورها اثر می گذارد. بنابراین به نظر نای، قدرت نرم (قدرت فرهنگی) زمانی اعمال می شود که یک کشور، سایر کشورها را وادارد چیزی را بخواهند که خود میخواهد (جانی پور، ۱۳۹۰: ۳۵)

هدف اصلی قدرت نرم، افکار عمومی بین المللی و در واقع تسخیر افکار عمومی است. تلاشی است بر روی اذهان مردم کشورهای خارجی، برای القای دیدگاه و تصویر مشابهی از جهان به عنوان روشی غیرمستقیم برای اعمال فشار بر حکومت های آنها. اما از آنجاکه داشتن مشروعیت در میان افکار عمومی جهانی نیازمند برخورداری از قدرت ترغیب دیگران در جهت هدف موردنظر یعنی همان قدرت نرم است، این توانایی نیز به سرمایه هایی همچون فرهنگ (بخش هایی که برای دیگران جذاب است)، ارزش ها (زمانی که در داخل و خارج مطابق انتظار باشد) و سیاست خارجی (زمانی که مشروع و اخلاقی و قابلقبول تلقی شود) نیاز دارد. (واعظی، ۱۳۹۰: ۱۲۸) هدف رسانه ها از قدرت نرم در ابتدا مدیریت افکار عمومی نیست، بلکه رسانه ای در این دنیا موفق است که بتواند با افکار عمومی حرکت کند و خود را سازگار با آنها نشان دهد (یوسفی، ۱۳۹۱: ۵۶)

منابع و مؤلفه های قدرت نرم

۱- فرهنگ و نظام ارزش ها: بخش عمده از عوامل تولیدکننده یا تقویت کننده قدرت نرم در یک واحد سیاسی، معطوف به حوزه فرهنگ و نظام ارزش ها و هنجارهای فرهنگی مانند زبان و ادبیات، موقعیتی ایدئولوژیکی و مذهبی، اخلاقیات، قدرت نفوذ، باورها و نگرش ها و به طور کلی منش ملی، روحیه ملی، باورها و ارزش های ملی است که جملگی در ذیل مقوله فرهنگ جای می گیرد. دستگاه سیاست خارجی کشورها هنگام تصمیم گیری عمدتاً بر اساس ترجیحات و اولویت های فرهنگی، عمل می کند؛ در نتیجه میزان ظرفیت موجود در انگاره های فرهنگی می تواند جذابیت خاصی را در افکار عمومی جهان ایجاد نموده و از طریق دستگاه سیاست خارجی می تواند اهداف و

منافع ملی خود را بدون کاربرد زور با کمترین هزینه تعقیب نماید. (خراسانی، ۱۳۸۷: ۵۶)

۲- ارزش ها و مطلوبیت های سیاسی: یکی دیگر از مؤلفه های تولیدکننده یا تقویت کننده قدرت نرم یک کشور، جذابیت ارزش ها و مطلوبیت های سیاسی کشور است. این مهم می تواند در ارائه تصویرسازی مثبت و مطلوب از یک کشور در سطح افکار عمومی جهان، مؤثر واقع گردد. به طور کلی ایده آل های سیاسی یک کشور می تواند دیگران را نسبت به آن، جذب یا دفع نماید. برای نمونه، ارزش های لیبرالی مطلوب و ایده آل غرب و یا ارزش های سیاسی اسلامی مطلوب در کشورهای اسلامی می تواند برای سایر واحدهای، ایجاد جاذبه و یا دافعه نماید. آنچه در این مؤلفه، حائز اهمیت است میزان همسویی ایده آل و مطلوبیت های سیاسی یک کشور با جامعه بین المللی است. (خراسانی، ۱۳۸۷: ۵۷) ارزش هایی سیاسی یک کشور می تواند دیگران را نسبت به آن جذب و یا دفع نماید. آنچه در این مؤلفه حائز اهمیت است میزان همسویی ارزش ها و مطلوبیت های سیاسی یک کشور با جامعه بین المللی است. همچنین میزان توانایی این ارزش های سیاسی در ساختن رژیم های حقوقی و قانونی بین المللی است که تا چه اندازه توانسته مطلوبیت های خود را جهانی و تبدیل به قوانین و مقررات بین المللی نماید. (میلسن و دیگران، ۱۳۸۸: ۴۱)

۳- دین و ایدئولوژی: دین و مذهب به مثابه یکی از مهم ترین کانون های بیان کننده ارزش ها و باورها، از مراجع بینش دهنده تلقی می گردد. لذا از بارزترین مؤلفه هایی است که نقش تعیین کننده در افزایش یا کاهش سطح قدرت نرم دارد. ماهیت دین و مذهب به گونه ای است که جهت گیری های اصلی را ترسیم کرده و معیار تعریف خیر و شر است. یکی از کارکردهای دین و مذهب انگیزه آفرینی و تقویت ایمان و باور به هدف است. علاوه بر این، دین و مذهب ضمن جهت دهی به بینش ها و رفتارها، باورهای عمیق در وجود افراد تولید و بازتولید می کند. (عسگری، ۱۳۸۴)

۴- مشروعیت: مشروعیت یک نظام سیاسی به نوع نگرش مردم و میزان رضایت مندی شهروندان نسبت به آن نظام بستگی دارد، لذا، مشروعیت در این دیدگاه معادل مقبولیت است. یعنی پذیرش و فرمان بری آگاهانه و داوطلبانه مردم از یک حکومت و قدرت حاکم را مشروعیت و حقانیت می گویند. بنابراین مشروعیت آن قدرت پنهانی است که در جامعه و کشور موجود است و مردم را بدون هیچ گونه اجباری به فرمانبری وا می دارد. ازاین رو می توان گفت مشروعیت در اصطلاح سیاسی و علوم اجتماعی آن، یکی و یگانه بودن چگونگی به قدرت رسیدن رهبران و زمامداران جامعه، با نظریه و باورهای همگان یا اکثریت مردم جامعه، در یک زمان و مکان معین

است. که نتیجه آن، پذیرش حق فرمان دادن برای رهبران و وظیفه فرمان بردن برای اعضای جامعه است. (ربیعی، ۱۳۸۴: ۳۴۱)

۵- اعتبار: هنگامیکه موضوع جنگ و صلح مطرح می شود، اعتبار به یک سرمایه مهم برای تشویق تبدیل می شود، زیرا تنها در صورتیکه یک کشور بتواند دلیل خود را برای جامعه بین المللی معتبر سازد و ثابت کند که همه روش های صلح آمیز را امتحان کرده است قبل از آنکه به نیروی نظامی متصل شود، خواهد توانست اهدافش را دنبال کند در این مواقع کشور مذکور با مقاومت نسبتاً کمتری در مقابل اهدافش رو به رو می شود و می تواند از حمایت کشورهای بیشتری برخوردار شود. (رینولد، ۱۳۸۹: ۷۲-۶۶)

۶- سرمایه اجتماعی: اولین عنصر از نوع هنجاری سرمایه اجتماعی «اعتماد» است که درون مایه سرمایه اجتماعی را شکل می دهد. اعتماد از آنجاکه نوعی رفتار ضابطه مند را می رساند، جایگزین بسیاری از منابع قدرتی می شود که در پی وادار نمودن افراد به اجرای رفتارهای ضابطه مند هستند. اعتماد خود منجر به افزایش نتایج و دستاوردها یا چالش ها و موانع محدود در نتیجه هزینه های کمتر منجر خواهد شد. دومین عنصر از نوع ارتباطی سرمایه اجتماعی «اعتبار» است. اعتماد عنصر ذهنی و مبتنی بر باور است درحالیکه اعتبار عنصر عینی سرمایه اجتماعی را تشکیل می دهد و بیشتر در نقش پشتیبانی بازیگر موردنظر ظاهر می شود. به این معنا که تصمیم ها و یا اراده و یا درخواست نمایان شده با استناد به این عنصر معنای اجرایی یافته و مخاطب نسبت به اجرا و تأثیرگذاری آن اطمینان بالایی حاصل می نماید. (تافلر، ۱۳۷۵)

سومین عنصر از نوع اعتقادی سرمایه اجتماعی وفاداری است که برخی اندیشمندان آن را «هسته» سرمایه اجتماعی تعبیر کرده اند وفاداری به میزان نفوذ معنوی، اخلاقی و فکری بازیگر ذینفوذ در شبکه اجتماعی بستگی دارد. (نای، ۱۳۸۷)

چهارمین عنصر از نوع آینده شناختی سرمایه اجتماعی «امید» است این عنصر برخلاف عناصر سه گانه قبلی که به فضای حال و عمل در زمان حال متکی بود، به زمان آینده متکی است. (علیخانی، ۱۳۹۳: ۱۰۱) سرمایه اجتماعی هر منبعی است که به دارنده آن امکان می دهد با اثرگذاری در محیط منافع خود را در رقابت با دیگران به دست آورد. افراد و جوامعی که دارای سرمایه اجتماعی باشند، به هنگام مواجهه با مسائل، حل و فصل منازعات و بهره مندی از فرصت های جدید از موضع محکم تری برخوردار خواهند بود. (پوتنام، ۱۳۸۰: ۲۸۵)

۷- اقتصاد: اینکه اقتصاد چه رابطه ای می تواند با قدرت نرم داشته باشد، به دو شکل قابل بررسی است. اول، برتری صنعتی و اقتصادی یک کشور، می تواند مورد تحسین مصرف کنندگان قرار گیرد، فارغ از ویژگی های فرهنگی و ارزشی کشور سازنده. دوم، از اقتصاد به عنوان یک ابرار جهت صادرات ارزش های کشور سازنده استفاده شود (گلشن پژوه، ۱۳۷۸: ۴۱-۳۹)

۸- دیپلماسی عمومی: جذابیت یک کشور به طور معمول قدرت نرم خوانده می شود که به صورت بالقوه وجود دارد؛ اما امروزه کشورها تلاش دارند تا با به کار بردن سازوکارهایی آن را تقویت کنند. یکی از ابزارهای دیپلماتیک که امروزه دیپلماسی عمومی خوانده می شود در واقع ابزار یا مکانیسمی برای اعمال قدرت نرم در عرصه عمل است. (بختیاری، ۱۳۹۰: ۱۴۷).

سطوح قدرت نرم

۱- سطح راهبردی: در این سطح قدرت متوجه رهبران و نخبگان یک کشور است و بالاترین سطح رویارویی قدرت نرم با تهدید نرم را شامل می شود. در این سطح، هدف افزایش قدرت، هنجار سازش خود و تضعیف قدرت حریف در صحنه بین المللی است و هدف دشمن هم از تهدید نرم در این سطح، اولاً شناسایی نخبگان و رهبران فکری جامعه و ثانیاً ارباب و تأثیرگذاری در آنها است.

۲- سطح میانی: این سطح از قدرت نرم منحصرأ به مردم و قدرت ملی تکیه دارد و از فرهنگ عامه متأثر می شود. در این سطح، افکار عامه از تصمیمات نخبگان و رهبران جامعه حمایت می کند و به آنها مشروعیت می بخشد. در مقابل، هدف تهدید نرم در این سطح، ایجاد شکاف میان نخبگان سیاسی و فرهنگی و آحاد عمومی جامعه است. یعنی می خواهند مردم را از یک جماعت همراه به جماعتی بی تفاوت، معارض و مخالف تبدیل کند و برای رسیدن به این هدف از ابزارهایی مثل تشویق به نافرمانی مدنی استفاده می کند.

۳- سطح تاکتیکی: این سطح از رویارویی قدرت نرم در سطح نیروهای مسلح صورت می گیرد. هدف این سه سطح از قدرت نرم باید توأمان و همراه هم مورد توجه قرار گیرد و سعی شود در هر سه سطح قدرت دهی و قدرت نرم جامعه افزایش پیدا کند تا بتواند در مقابل تهدیدات نرم مؤثر واقع شود. (جانی پور، ۱۳۹۰: ۶۱-۶۰)

قدرت نرم و انقلاب

انقلاب‌ها دارای قدرت نرم فوق‌العاده‌ای هستند چون قدرت نرم آن‌ها در چیزی بیشتر از ترغیب و یا توانایی تهییج مردم نهفته است. قدرت نرم انقلاب‌ها "بیش از وادار ساختن یا توانایی به تحریک درآوردن مردم با استدلال است بلکه توانایی جذب مردم به گونه‌ای است که اغلب منجر به رضایت و تسلیم شدن آنها می‌شود (خرمشاد، ۱۳۸۹: ۱۳-۱۲).

قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران نیز همچون سایر انقلاب‌های بزرگ امری انکارناپذیر و قطعی است اگر عامل فرهنگ، یکی از مهم‌ترین منابع قدرت نرم محسوب می‌شود، اساساً انقلاب اسلامی ایران به، حق به این شهرت یافته است که انقلابی فرهنگی یعنی انقلابی مبتنی بر فرهنگ و برای فرهنگ بوده است. انقلاب اسلامی ایران، انقلابی مبتنی بر دین اسلام و مذهب تشیع بوده است که بدان قدرت نفوذ و اثرگذاری در میان حداقل یک میلیارد مسلمان سی سال پیش را داشته است. اگر ایدئولوژی از دیگر بنیادهای قدرت نرم به حساب می‌آید ایدئولوژی اسلامی انقلاب ایران دارای قدرت فوق‌العاده‌ای در جلب و جذب مسلمانان و حتی غیرمسلمانان با پیام معنویت‌گرایی و اخلاق‌گرایی خود بوده است. اگر گفته می‌شود که "ازجمله مظاهر قدرت نرم، توأم ساختن دیپلماسی بااخلاق است"، انقلاب اسلامی ایران منادی بازگرداندن اخلاق و معنویت به سیاست بوده و در سخت‌ترین شرایط جنگ هشت ساله تحمیلی عراق با جمهوری اسلامی، پابندی و پایداری خود در ارائه یک دیپلماسی عمومی متصف به اخلاق را نشان داده است. اگر قدرت مبتنی بر کاریزما از مصادیق قدرت نرم محسوب می‌شود، کاریزمای چندجانبه و چندبعدی رهبر انقلاب اسلامی ایران، یعنی امام خمینی (ره) که سلطه مبتنی بر اعتمادی بی‌چون و چررا را برای او رقم زده بود، بر کسی پوشیده نیست. قدرت نرم امام خمینی (ره) نه تنها گستره ایران اسلامی را در بر می‌گرفت، بلکه در جهان اسلام و به قول خود او در کل جهان مستضعفین، دارای برد و تأثیری عمیق و گسترده بود ایران نیز با حمایت از مستضعفین، مقاومت در برابر استکبار غربی، آمریکایی و صهیونیستی و نیز با حمایت از نهضت‌های رهایی‌بخش، جنبش‌های اسلامی و اسلام سیاسی توانسته است قدرت نرم قابل توجه و تعیین‌کننده‌ای را برای خود فراهم سازد. (دهشیری، ۱۳۹۰)

از میان عوامل دیگری که به اعتقاد نای باعث تقویت قدرت نرم می‌شوند، تعداد قابل توجهی در انقلاب اسلامی ایران موجود بوده و جمهوری اسلامی ایران از آن به خوبی بهره‌مند است، عواملی نظیر موقعیت ایدئولوژیک، مناسبات و مبادلات فرهنگی، تبلیغ آرمان‌ها، ارزش‌ها و اهداف متعالی، ترویج

زبان و ادبیات، کسب جایگاه و موقعیت علمی پیشرفته و فناوری های فناورانه، قدرت نظامی و تسلیحاتی (به عنوان هاله ای از توانمندی و اقتدار بالقوه برای رویارویی با بحران های محتمل)، ایفای رسالت تاریخی متناسب با موقعیت جهانی و سطح انتظار در شرایط مختلف، برخورد مناسب و اتخاذ مواضع مقبول در برخورد با بحران های بین المللی، توان رویارویی سریع و درخور برخورد با توطئه ها و تهدیدات تضعیف کننده داخلی و خارجی، قدرت ختشی سازی تبلیغات مسموم و... اینها در افزون شدن به مؤلفه های پیش گفته قدرت نرم موجود در انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی ایران را از قدرت نرم قابل توجهی برخوردار ساخته اند. (خرمشاد، ۱۳۸۹: ۱۳-۱۲).

قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران

جمهوری اسلامی ایران که بر پایه یک انقلاب دینی و بدون خشونت به وجود آمد دارای ابعاد متعددی از قدرت از جمله قدرت نرم است و با بهره مندی از انقلابی با رسالت جهانشمول توانست به عالیترین شکل از قدرت نرم دست یابد. ایران دارای منابعی از قدرت نرم است که استفاده از آن، اهمیتی انکارناپذیر دارد که از طریق سیاستگذاری و مدیریت هوشمندانه آنها می توان در جهت دستیابی به اهداف سیاست خارجی خود از آنها استفاده نماید و سیاست و تعاملات خویش را بهبود بخشد تا از طریق آن، اهدافش امکان تحقق بیشتری پیدا نماید. جمهوری اسلامی ایران به عنوان الگوی موفق ارزش های فرهنگی مانند (روحیه شهادت طلبی، فرهنگ عاشورایی، دین و آموزه های مذهبی، فرهنگ ایرانی اسلامی، سرمایه اجتماعی، تأثیرپذیری جنبش های اسلامی از انقلاب اسلامی، تولید علم و دانش، زبان و ادبیات فارسی، هنر، آثار باستانی) سیاسی (موقعیت جغرافیایی و استراتژیک، جذابیت ایدئولوژیکی اسلام سیاسی، رهبری، مطلوب های سیاست خارجی، اصول استقلال و آزادی، گسترش همکاری ایران با سازمان های بین المللی، عدالت، اخلاق، خدامحوری، مردم سالاری دینی، مهدویت گرایی و امید به آینده، حضور در مجامع بین المللی، مطلوبیت های سیاست خارجی، اخلاق، مهدویت گرایی و امید به آینده) و اقتصادی مانند (صنایع) که بعد از انقلاب اسلامی به وجود آورده است. می تواند با استفاده از این شاخص ها به عنوان منابع قدرت نرم در سطح منطقه اثرگذاری خود را نشان دهد. جمهوری اسلامی ایران نیز به عنوان واحد سیاسی مستقل، به منظور دستیابی به اهداف ملی و راهبردی خود از مؤلفه های و ظرفیت های قدرت نرم خود در حوزه سیاست های منطقه ای و بین المللی بهره می گیرد. (قاسمیان، ۱۳۹۲)

اهمیت راهبردی سوریه برای جمهوری اسلامی ایران

سوریه تنها بازیگر عربی است که در مناسبات منطقه ای و بین المللی میان کشورهای خاورمیانه و آفریقای عربی، نقش مستقلی را ایفا می نماید و در عین حال صاحب دیدگاه خود است. درگیری رژیم صهیونیستی با سوریه، محور اصلی اهمیت نظامی و استراتژیک این کشور در منطقه است. نیروهای مسلح سوریه، تنها ارتش کلاسیک عربی است که می تواند امنیت رژیم صهیونیستی را در معرض خطر قرار دهد. از این رو مقامات رژیم صهیونیستی، سوریه را به عنوان تهدید استراتژیک به حساب می آورند (رجبی، ۱۳۹۱: ۱۲۶)

ازلحاظ ژئوپلیتیک، سوریه عمق خط مقدم منطقه نفوذ ایران تلقی می شود. از این منظر، ایران با کشورهای سوریه و لبنان و مجموعه های حزب الله، جهاد اسلامی و حماس، یک جبهه ضد صهیونیستی تشکیل داده که در این اتحاد، سوریه نقش پل ارتباطی را ایفا می کند. در حال حاضر همه فشارها برای شکستن این پل ارتباطی، یعنی سوریه اعمال می شود و هدف از سرنگونی رژیم کنونی در آن کشور نیز با امید به منزوی ساختن ایران صورت می پذیرد. (لنچافسکی، ۱۳۸۱)

یکی از اهداف ژئوپلیتیکی قدرت های نافذ فرامنطقه ای، قطع محور راهبردی است که ایران را به لبنان، فلسطین و دریای مدیترانه متصل می سازد؛ بنابراین، قرار دادن سوریه در حالت هرج و مرج، تاکتیک نظام سلطه درنبرد با ایران نیز محسوب می شود. فوری ترین هدف راهبردی غرب از بی ثبات سازی و ایجاد بحران در سوریه عبارت است از تصرف اولین خاکریز دفاعی جبهه مقاومت در مقابل رژیم صهیونیستی و حمله به عمق راهبردی جمهوری اسلامی که ضرورت اولیه تضعیف مقاومت اسلامی و سیاست مهار جمهوری اسلامی قلمداد می شود. با توجه به این مهم، حفظ نظام سیاسی سوریه برای جمهوری اسلامی ایران بسیار با اهمیت است. (حسینی، ۱۳۸۱)

با توجه به موارد یادشده، سوریه برای جمهوری اسلامی ایران دارای اهمیت راهبردی قابل اتکایی است از جمله:

۱. سوریه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نزدیک ترین متحد عربی با جمهوری اسلامی ایران بوده است.
۲. باوجود نظام های سیاسی متفاوت ایران و سوریه و همگرایی نسبی نوع حکومت در سوریه و عراق، نظام سوریه در جنگ تحمیلی رژیم بعثی علیه ایران اسلامی با جمهوری اسلامی همراهی کرد.

۳. روابط سوریه با جمهوری اسلامی ایران در راه اندازی و تقویت جبهه مقاومت، همواره ادامه یافته است.
۴. سوریه همواره در ضدیت با رژیم صهیونیستی با جمهوری اسلامی همراهی کرده است.
۵. سوریه از متحد جمهوری اسلامی ایران یعنی حزب الله لبنان در مقابل رژیم صهیونیستی حمایت می کند.
۶. سوریه با جمهوری اسلامی و مقاومت اسلامی در منطقه، همگرایی و همسویی دارد.
۷. این کشور در انتقال نفت و گاز عراق و ایران به اروپا موقعیت ویژه ای دارد.
۸. تحولات سوریه بر نقش آفرینی ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران در منطقه تأثیر زیادی دارد.
۹. تداوم بحران در سوریه، تلاشی از سوی غرب و کشورهای عربی برای جلوگیری از گسترش امواج بیداری اسلامی در کشورهای عربی و به چالش کشیدن گفتمان انقلاب اسلامی است. (فرزندی، ۲۴: ۱۳۹۱-۲۲)

مسئله سوریه

تحولات داخلی سوریه در اوایل سال ۲۰۱۱، اگرچه دیرتر از تحولات دیگر کشورهای عربی منطقه، شروع شد؛ اما بی شک عامل اصلی شعله ور شدن اعتراضات مردمی علیه نظام سیاسی سوریه، شکل گیری خیزش های و انقلاب های عربی در منطقه است. مخالفان داخلی و خارجی نظام سیاسی سوریه نیز با الهام گرفتن از این انقلاب ها دست یابی به خواسته های خود را ابتدا از طریق مسالمت آمیز به صورت مقاومت مدنی و برپایی تظاهرات خیابانی دنبال نمودند. اما توسل جستن این مخالفان به بیگانگان و اقدامات خشونت آمیز دستگاه امنیتی حزب بعث با معترضین، کم کم زمینه های ورود قدرت های منطقه ای و فرا منطقه ای به دامنه این اعتراضات را فراهم نمود. به هرحال، سوریه با برخورداری از مؤلفه های خاص سیاسی، جمعیتی و ژئوپلیتیک یکی از کشورهای مهم و نقش آفرین خاورمیانه است، قرار گرفتن این کشور در نقطه اتصال سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا، بالاترین منظر ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک را به آن بخشیده است. به خاطر این اهمیت فوق العاده سوریه در منطقه استراتژیک خاورمیانه است که بسیاری از کارشناسان سیاسی این کشور را بزرگترین کشور کوچک جهان نامیده اند (کتاب سبز سوریه، ۱۳۸۷: ۲۹)

شروع بحران در سوریه پس از دومینوی انقلاب های عربی اگرچه با مطالبات مردمی همراه بود، اما بافاصله کمی صحنه سیاسی سوریه را شاهد اغتشاشاتی کرد که ناشی از حمایت ها و دخالت های خارجی بود. این اعتراضات که می توانست در قالب اصلاحات به بسیاری از نارسایی های سوریه سامان ببخشد، با دخالت های خارجی به سردمداری عربستان و قطر و حمایت های پیدا و پنهان کشورهای غربی و نهادهای بین المللی که ابزار دست قدرت های بزرگ هستند، در جهت ایجاد ناامنی و هرج و مرج با هدف سرنگونی حکومت سوریه و تسویه حساب های سیاسی و نهایتاً تضعیف خط مقاومت قرار گرفت که سود اصلی آن درنهایت به اسرائیل می رسد. (پورااحمدی، ۱۳۸۹)

با گسترش دامنه های درگیری ها، بنیادگرایی اسلامی وارد کارزار شد و درگیری فراتر از مرزهای سوریه را در بر گرفت. آنچه مشخص است درگیری در سوریه تنها مبتنی بر مخالفت های داخلی نیست؛ بلکه حضور نیروهای تندرو در سوریه نشان دهنده گستره وسیع بحران در این کشور است. حضور همزمان گروه های تروریستی از قبیل القاعده، داعش جبهه، النصره نشان دهنده این موضوع است که بحران سوریه بهانه ای برای آغاز یک رشته درگیری های طولانی مدت و فرسایشی است. (افتخاری، ۱۳۸۷)

تحولات اخیر در سوریه بدون تردید سخت ترین چالش داخلی نظام بشار اسد تاکنون بوده است. این تحولات نه تنها برای بشار اسد و نظام حاکم بر سوریه غیرمنتظره بود، بلکه بسیاری از دولت های منطقه از جمله دوستان سوریه را هم در موضعگیری و نوع برخورد با این تحولات دچار تعارض و سردرگمی کرده است. البته این امر به نقش مهم منطقه ای سوریه و اهمیت بازیگری این کشور بر تحولات منطقه از جمله مباحث مربوط به فلسطین، مقاومت، مذاکرات مربوط به سازش و دیگر مسائل منطقه ای برمی گردد.

مواضع جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران سوریه

سوریه به عنوان مهمترین متحد ایران در منطقه، از جایگاه خاصی در سیاست خارجی این کشور برخوردار است. سوریه در طول سه دهه گذشته، تنها متحد راهبردی جمهوری اسلامی ایران در منطقه بوده است. دو کشور تعاملات و همکاری راهبردی مهمی را تجربه کرده اند. مخالفت با حضور و نفوذ غرب در منطقه، اتخاذ رویکرد ضد اسرائیلی و حمایت از گروههای مقاومت در لبنان و فلسطین مهمترین مؤلفه های مشترک سیاست منطقه ای ایران و سوریه به شمار می رود که دو کشور را به رکن اصلی محور مقاومت تبدیل کرده اند. سوریه به لحاظ راهبردی بیشترین اهمیت را

برای جمهوری اسلامی ایران دارد و عرصه ای مهم برای حمایت ایران از گروههای مقاومت، نقش آفرینی منطقه ای و گسترش توان بازدهی در مقابل رژیم صهیونیستی و غرب محسوب می شود. بر این اساس آغاز ناآرامی ها در سوریه و گسترش تشدید بحران در این کشور بیشترین نگرانی را برای جمهوری اسلامی ایران ایجاد کرده است برخی معتقدند بحران سوریه از دو منظر برای ایران نگران کننده است: نخست، سقوط دولت سوریه ضربه ای راهبردی مهمی بر ایران وارد خواهد کرد و تغییر رژیم در سوریه به عنوان نزدیک ترین و مهم ترین متحد ایران بر توانایی کشورمان برای نمایش قدرت در شرق مدیترانه تأثیر خواهد گذاشت. دوم، تحولات سوریه در جهت مخالف روایت ایران از بهار عربی به عنوان «بیداری اسلامی» الهام گرفته از انقلاب اسلامی است. هرچند تأثیرات راهبردی منفی بحران سوریه بر ایران تا حد زیادی مشهود است، در مورد سنخ و ماهیت تحولات سوریه و سایر کشورهای عربی از منظر ایران همخوانی چندانی وجود ندارد. در واقع، جمهوری اسلامی ایران ضمن ادعان به حقوق مردم سوریه معتقد است که علل اصلی تشدید و تداوم بحران در سوریه خارج کردن این کشور راهبردی از محور مقاومت است. (اسدی، ۱۳۹۱: ۱۷۰-۱۶۹)

جمهوری اسلامی ایران سیاست حفظ منافع استراتژیک در پرتو روابط با کشورهای هم پیمان منطقه ای و گروه های اسلامی نظیر حزب الله و حماس که در معادلات سیاسی-امنیتی منطقه نقش ویژه ای ایفا می نماید را در رویکرد سیاست خارجی دنبال نمود و از آنجا که سوریه از جمله کشورهایی است که نقش حیاتی در اتصال استراتژیک ایران به منطقه مدیترانه و خاور نزدیک دارد، به همین دلیل جمهوری اسلامی ایران با دقت و حساسیت ویژه ای تحولات سوریه را دنبال نموده و به عنوان یک بازیگر و قدرت مهم منطقه ای تلاش نموده که در راستای تداوم مناسبات راهبردی با این کشور و نیز حفظ منافع ملی و منطقه ای خود، اقدام به اتخاذ مواضع حمایتی از حکومت بشار اسد در سوریه نماید. در رابطه با نظام جمهوری اسلامی ایران به حفظ تمامیت ارضی و نظام سیاسی سوریه محاسبات پیچیده و دشواری وجود دارد؛ چراکه با توجه به دلایل یادشده همواره برای ایران حائز اهمیت راهبردی بوده است که ایران و سوریه در دهه های اخیر یک اتحاد استراتژیک را پایه گذاری نموده اند که در راستای موضع گیری نسبت برخی مسائل در خاورمیانه نظیر خصومت میان عرب-فارس، شیعه-سنی، پیروزی و غلبه بعضی گروه های تروریستی و بنیادگرا در منطقه خاورمیانه، این اتحاد همواره حفظ شده است. ایران در طی بحران سوریه هیچ گاه از راه حل های نظامی و دخالت سایر کشورها اعم از کشورهای منطقه ای و غربی، جهت حلوفصل بحران این کشور

حمایت نموده است؛ بلکه برعکس، مسئولان و تصمیم گیرندگان دستگاه دیپلماسی ایران همواره معتقدند که برای حل بحران سوریه فقط یک راه حل وجود دارد و آن نیز راه حل سیاسی است. تأکید جمهوری اسلامی ایران بر حل بحران داخلی سوریه، توسط مردم سوریه است و هر نتیجه ای نیز که در این راستا حاصل شود، بنا بر صلاحدید مردم این کشور رقم خورده است. با توجه به این مهم، دیدگاه حمایتگرانه جمهوری اسلامی ایران نسبت به حل بحران سوریه در سه مؤلفه مهم خلاصه می شود ۱. توقف خشونت و کشتار مردم سوریه ۲. عدم مداخله سیاسی و نظامی بیگانگان ۳. حفظ دولت بشار اسد در کنار تأکید بر ضرورت اصلاحات داخلی (پرچمدار، ۱۳۹۲: ۵۹-۵۸)

به طور کلی، سیاست ایران عمدتاً مبتنی بر حفظ منافع استراتژیک و تحت تأثیر اهمیت نقش این کشور در معادلات سیاسی - امنیتی منطقه به خصوص در حوزه روابط با حزب الله و حماس و همچنین روند صلح اعراب - اسرائیل بوده که ایران در آن دارای نقش حساس و مهمی است. سوریه نیز نقش حیاتی در اتصال استراتژیک ایران به منطقه مدیترانه و خاور نزدیک؛ دارد به همین دلیل، برخلاف سایر نقاط جهان عرب ایران، با نگاهی متفاوت و مبتنی بر منافع، تحولات آن را دنبال کرده است. ایران از یک سو با نگاهی محتاطانه به این تحولات نگریسته و از سوی دیگر، با درخواست های اصلاحات در سوریه و در چارچوب حکومت حاکم و تا جایی که منجر به تضعیف قدرت و امنیت ملی سوریه در مبارزه با رژیم اسرائیل نشود، حمایت کرده است. این امر حتی می تواند بر مشروعیت حکومت بشار اسد بیافزاید و در نهایت منجر به حفظ اتحاد سستی ایران و سوریه شود. (برزگر، ۱۳۹۰) استراتژی دفاع - تهاجم که راهبرد ایران در قبال سوریه در خلال اتفاقات اخیر را تشکیل می دهد، شامل اتخاذ چند تاکتیک در سوریه است که ایران سیاست های خود را بر این استراتژی سامان می دهد: ایجاد گروههای شبه نظامی و آموزش نظامی - امنیتی نیروهای دولتی سوریه و ترغیب نیروهای حزب الله لبنان به دفاع از سوریه که همراه با ارتش سوریه در مقابل تروریست ها (که از حمایت کشورهای غربی بر خوددارند). از مطالب یادشده می توان استنباط نمود که سیاست جمهوری اسلامی ایران نسبت به بحران اخیر در سوریه شامل دو طرح کلی است: اول اینکه همواره سعی کرده تا از حکومت بشار اسد در سوریه در مقابل مخالفین محلی و منطقه ای قاطعانه حمایت نماید؛ چراکه در صورت روی کارآمد مخالف در سوریه به محور استراتژیک ایران - سوریه - حزب الله لبنان، آسیب جدی وارد می شود. دوم اینکه جمهوری اسلامی ایران با جلوگیری از سقوط حکومت بشار اسد سعی دارد که از ظهور یک حکومت بنیادگرا در سوریه نیز ممانعت به عمل آورد. (نیاکویی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۳۵-۱۳۴)

دلایل حمایت جمهوری اسلامی ایران از سوریه با منطق قدرت نرم

به طور کلی دلایل حمایت ایران از سوریه به دلایل زیر می تواند باشد:

۱. سوریه تنها کشور عربی است که در خط مقدم مبارزه با صهیونیستی نیست ایستاده است و پیمان صلح با صهیونیست ها را امضاء نکرده است. سوریه و اسرائیل از سال ۱۹۶۸ تاکنون در جنگ سرد به سر می برند و این رفتار سوریه یعنی بازی در پازل جمهوری اسلامی ایران.
۲. سوریه عقبه مقاومت است و فروپاشی نظام سوریه یعنی قطع رابطه ایران با عقبه مقاومت در لبنان و فلسطین و نتیجه آن یعنی پیروزی صهیونیست ها و آمریکا بر تنها کشور عربی که همچنان به مقاومت معتقد است.
۳. جریان مسلحی که در سوریه می جنگد سلفی است و مورد حمایت عربستان سعودی و آمریکا است حاکمیت این جریان در سوریه یعنی ظهور طالبان و داعش دیگر در منطقه و فوران تنفر ضد شیعی که شامل حال عراق، ایران و علویان حاکم در سوریه خواهد شد علاوه بر این نظام جمهوری اسلامی معتقد به اصلاحات در سوریه است. (برزین، ۱۳۶۵)

سوریه نقش حیاتی در اتصال استراتژیک ایران به منطقه مدیترانه و خاور نزدیک دارد. ایران از یکسو با نگاهی محتاطانه به این تحولات نگرینسته که عناصر خارجی (آمریکا، اسرائیل و عربستان) بر شدت آن می افزایند و از سوی دیگر، با درخواست های اصلاحات در سوریه و در چهارچوب حکومت حاکم و تا جایی که منجر به تضعیف قدرت و امنیت ملی سوریه در مبارزه با رژیم اسرائیل نشود، حمایت کرده است. این امر میتواند بر مشروعیت حکومت بشار اسد بی افزایش و در نهایت منجر به حفظ اتحاد سستی ایران و سوریه شود. (مرجانی نژاد، ۱۳۹۰: ۶۷)

جمهوری اسلامی ایران به سوریه به عنوان یک متحد راهبردی در منطقه خاورمیانه می نگرد و حفظ دولت سوریه و حمایت از گروههای اسلامی از قبیل حماس و حزب الله را همواره به عنوان یکی از اهداف مهم در رویکرد سیاست خارجی خود مطرح نموده است. همچنین جمهوری اسلامی ایران سوریه را به عنوان یک سپر دفاعی امنیتی در منطقه برای خود قلمداد مینماید که در صورت فروپاشی حکومت بشار اسد در سوریه، ممکن است که ایران را با یک چالش و معضل بزرگ امنیتی در منطقه روبه رو سازد. به همین جهت جمهوری اسلامی ایران به حکومت بشار اسد در سوریه،

کمک های مالی، نظامی و امنیتی اعطای نماید. (نیاکویی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۳۴-۱۳۳)

به طور کلی، سیاست ایران عمدتاً مبتنی بر حفظ منافع استراتژیک و تحت تأثیر اهمیت نقش این کشور در معادلات سیاسی-امنیتی منطقه به خصوص در حوزه روابط با حزب الله و حماس و همچنین روند صلح اعراب-اسرائیل بوده که ایران در آن دارای نقش حساس و مهمی است. سوریه نیز نقش حیاتی در اتصال استراتژیک ایران به منطقه مدیترانه و خاور نزدیک؛ دارد به همین دلیل، برخلاف سایر نقاط جهان عرب ایران، با نگاهی متفاوت و مبتنی بر منافع، تحولات آن را دنبال کرده است. ایران از یک سو با نگاهی محتاطانه به این تحولات نگریسته و از سوی دیگر، با درخواست های اصلاحات در سوریه و در چارچوب حکومت حاکم و تا جایی که منجر به تضعیف قدرت و امنیت ملی سوریه در مبارزه با رژیم اسرائیل نشود، حمایت کرده است. این امر حتی می تواند بر مشروعیت حکومت بشار اسد بیافزاید در نهایت منجر به حفظ اتحاد سنتی ایران و سوریه شود (برزگر، ۱۳۹۰).

سوریه در طول سه دهه گذشته تنها متحد راهبردی جمهوری اسلامی ایران در منطقه خاورمیانه بوده است؛ دو کشور تعاملات و همکاری راهبردی مهمی تجربه کرده اند. مخالفت با حضور و نفوذ غرب در منطقه، اتخاذ رویکرد ضد اسرائیلی و حمایت از گروه های مقاومت در لبنان و فلسطین مهمترین مؤلفه های مشترک سیاست منطقه ای ایران و سوریه به شمار می رود که دو کشور را به رکن اصلی محور مقاومت تبدیل کرده اند. سوریه به لحاظ راهبردی بیشترین اهمیت را برای جمهوری اسلامی ایران دارد و عرصه ای مهم برای حمایت ایران از گروه های مقاومت، نقش آفرینی منطقه ای و گسترش توان بازدارندگی در مقابل رژیم صهیونیستی و غرب محسوب می شود. بر این اساس آغاز ناآرامی ها در سوریه و گسترش تشدید بحران در این کشور بیشترین نگرانی ها را برای جمهوری اسلامی ایران ایجاد کرده است (اسدی، ۱۳۹۱: ۱۶۹).

ایران برنامه راهبردی را بر اساس سند چشم انداز در منطقه را دنبال می کند که بر این اساس باید در مدت زمانی مشخص به قدرت اول منطقه ای تبدیل شود و در این مسیر بی ثباتی در سوریه و تغییرات نظام سیاسی در این کشور به گونهای است که برخلاف راهبردهای منطقه ای تهران و کاملاً خلاف امنیتی ملی جمهوری اسلامی ایران است. در طول یک دهه گذشته، جمهوری اسلامی ایران در همکاری و اتحاد با سوریه و گروه های مقاومت در فلسطین و لبنان شکل دهنده ائتلاف منطقه ای مهمی موسوم به محور مقاومت در منطقه بود. این ائتلاف ضمنی منطقه ای پتانسیل استراتژیک مهمی برای سیاست منطقه ای ایران است و باعث گسترش نفوذ و نقش آفرینی کشور در

منطقه و مقابله با چالش های امنیتی از سوی دولت های رقیب و متخاصم شده است. با وقوع تحولات جدید در جهان عرب، زمینه ها و مؤلفه هایی برای گسست در محور مقاومت نیز قابل شناسایی است که مهم ترین آن تحولات سوریه و تلاش بازیگران رقیب برای تغییر حکومت یا تغییر رفتار در این کشور است. رقیب منطقه ایران یعنی عربستان سعودی نیز در طول یک دهه گذشته بازیگری مهم در ائتلاف موسوم به محور استعمار زدگی عربی متشکل از کشورهای دست نشانده عربی است که در مقابل محور مقاومت شامل جمهوری اسلامی ایران، سوریه، و گروه های مقاومت نقش آفرینی می کرد و تهدیدات امنیتی مهمی را برای کشور ایجاد نموده است. این کشور که از خیزش های جهان عرب نگرانی های جدی را احساس می کند در صدد ایجاد ائتلاف نوینی متشکل از کشورهای و پادشاهی خواهان حفظ وضع موجود برای مقابله با دگرگونی های منطقه ای است. ایران بر حفظ و برقراری آرامش در سوریه پافشاری می کند تا ضمن ایستادگی در برابر اعراب از شیعیان سوریه نیز حمایت نماید، که کلیت خود این مسئله یعنی بحث شیعه و سنی از دلایل دیگری است که ایران را در پشت بشار اسد قرار می دهد. علاوه بر این محدود کردن نفوذ آمریکا و به طور کلی غرب در منطقه و جلوگیری از روی کار آمدن دولت تحت نفوذ آنان در کشوری که متحد ایران است، یکی از مهمترین دغدغه های ایران در مورد سوریه است و به همین دلیل است که این کشور هرگونه انتقال قدرت در سوریه را تنها در صورتی می پذیرد که خود در آن نقش داشته و آینده حضورش در این کشور را تضمین نماید. (رمضانی، ۱۳۸۰)

نتیجه گیری

قدرت نرم بر اساس جذابیت و مشروعیت در نزد دیگران است که در آن دیگران نه بر اساس زور و اجبار، بلکه چون سیاست ها و فرهنگ شما در چشم آن ها دارای مشروعیت و جذابیت است، اهداف شما را تأمین می کنند. قدرت نرم شامل مؤلفه های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، دیپلماسی عمومی و اطلاعات است. در عرصه جدید سیاست بین الملل، یکی از ابزارهایی که واحدهای سیاسی به منظور دستیابی به اهداف و منافع ملی و راهبردی خود به کار می گیرند قدرت نرم است. جمهوری اسلامی ایران که بر پایه یک انقلاب دینی و بدون خشونت به وجود آمد دارای ابعاد متعددی از قدرت از جمله قدرت نرم است و با بهره مندی از انقلابی با رسالت جهان شمول توانست به عالی ترین شکل از قدرت نرم دست یابد. ایران دارای منابعی از قدرت نرم است که استفاده از آن، اهمیتی انکارناپذیر دارد که از طریق سیاستگذاری و مدیریت هوشمندانه آن ها می توان در جهت

دستیابی به اهداف سیاست خارجی خود از آنها استفاده نماید و سیاست و تعاملات خویش را بهبود بخشد تا از طریق آن، اهدافش امکان تحقق بیشتری پیدا نماید. جمهوری اسلامی ایران به عنوان الگوی موفق ارزش های فرهنگی مانند (روحیه شهادت طلبی، فرهنگ عاشورایی، دین و آموزه های مذهبی، فرهنگ ایرانی اسلامی، سرمایه اجتماعی، تأثیرپذیری جنبش های اسلامی از انقلاب اسلامی، تولید علم و دانش، زبان و ادبیات فارسی) آثار باستانی هنر، سیاسی (موقعیت جغرافیایی و استراتژیک، جذابیت ایدئولوژیکی اسلام سیاسی، رهبری، مطلوب های سیاست خارجی، اصول استقلال و آزادی، گسترش همکاری ایران با سازمان های بین المللی، عدالت، اخلاق، خدامحوری، مردم سالاری دینی، اخلاق، مهدویت گرایی و امید به آینده، حضور در مجامع بین المللی، عدالت، مطلوبیت های سیاست خارجی، مهدویت گرایی و امید به آینده) و اقتصادی در سطح منطقه اثرگذاری خود را نشان دهد. جمهوری اسلامی ایران نیز به عنوان واحد سیاسی مستقل، بهممنظور دستیابی به اهداف ملی و راهبردی خود از مؤلفه های و ظرفیت های قدرت نرم خود در حوزه های سیاست منطقه ای و بین المللی بهره می گیرد. از زمان شروع خیزش های اسلامی در منطقه کشور سوریه نیز دستخوش ناآرامی های داخلی شد. در بحران سوریه عوامل داخلی و خارجی متعددی نقش دارند از عوامل داخلی میتوان شکاف مذهبی - طایفه ای، رکود سیاسی، رکود اقتصادی، فساد مالی واداری را نام برد و از عوامل خارجی دخالت قدرت های منطقه ای و بین المللی از مهمترین عوامل دامن زدن به تنش های فرقه ای در سوریه به شمار می روند. ایران از همان آغاز بحران، با اعلام موضع خود در چارچوب حمایت از ملت و کشور سوریه از هیچ تلاشی برای حل این بحران دریغ نکرد. ایران برای حفظ امنیت ملی خود در قبال تهدیدهای به وجود آمده، رویکرد حمایت همه جانبه خود را از دولت بشار اسد به اجرا گذاشته و اتحادی را با کشورهای روسیه و چین برای جلوگیری از سلطه غرب بر این منطقه اتخاذ کرده و سیاست خارجی خود را در این راستا تنظیم کرده است. دیدگاه جمهوری اسلامی ایران نسبت به حل بحران سوریه در سه مؤلفه مهم خلاصه می شود. توقف خشونت و کشتار مردم سوریه، عدم مداخله سیاسی و نظامی بیگانگان و حفظ دولت بشار اسد در کنار تأکید بر ضرورت اصلاحات داخلی. ایران سوریه را به عنوان یک سپر دفاعی امنیتی در منطقه برای خود قلمداد می نماید که در صورت فروپاشی اسد در سوریه، ممکن است که ایران را با یک چالش و معضل بزرگ امنیتی در منطقه رو به رو سازد. سیاست ایران در بحران سوریه مخالفت با هر نوع تغییر اساسی به نفع آمریکا و متحدیم منطقه ای در سوریه است. ایران و متحدانش به طور فزایندهای

وضعیت سوریه را به عنوان یک بازی با حاصل جمع صفر می بینند، ترس از خلع حزب بعث می تواند راه را برای ظهور رژیم جدید در دمشق هموار کند که نسبت به تهران خصومت ورزد؛ در نتیجه، ایران تصمیمی استراتژیک گرفت که به طور کامل از اسد با فراهم کردن تسلیحات، نفت، و کمک مالی حمایت نماید. از سوی دیگر با درخواست های اصلاحات در سوریه و در چارچوب حکومت حاکم و تا جایی که منجر به تضعیف قدرت و امنیت ملی سوریه در مبارزه با رژیم اسرائیل نشود، حمایت کرده است. ایران خواهان ادامه حکومت اسد و جلوگیری از روی کار آمدن مخالفین در سوریه است، زیرا روی کار آمدن مخالفین به محور استراتژیک ایران، سوریه و حزب الله لبنان آسیب جدی وارد خواهد نمود. سوریه یکی از کشورهایی است که در مجموعه امنیتی خاورمیانه، جایگاه مهمی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به ایران دارد. منظور بهبود و گسترش روابط با این کشور، از ظرفیت های قدرت نرم خود استفاده می کند.

منابع

- اسدی، علی اکبر (۱۳۹۱). «بحران سوریه و تأثیر آن بر بازیگران و مسائل منطقه‌ای»، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال سیزدهم، شماره ۵۰.
- افتخاری اصغر (۱۳۸۷). دو چهره قدرت نرم (قدرت نرم معنا و مفهوم)، جلد ۲، تهران: پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج
- بختیاری، ابراهیم (۱۳۹۰). «بررسی شباهتها و تفاوت‌های دیپلماسی عمومی با مفاهیم نرم»، فصلنامه عملیات روانی، سال هشتم، پائیز، شماره ۳۰.
- برزین، سعید (۱۳۶۵). تحول سیاسی در سوریه، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- پرچمدار تینا (۱۳۹۲). «پشت پرده تحولات سوریه از ابتدا تاکنون»، ماهنامه بیداری اسلامی، سال دوم، شماره ۶.
- پوتنام، رابرت (۱۳۸۰). دمکراسی و سنت‌های مدنی (تجربه ایتالیا و درس‌هایی برای کشورهای در حال گذار)، ترجمه محمدتقی دلفروز، نشر روزنامه سلام.
- پور احمدی، حسین (۱۳۸۹). قدرت نرم و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، قم: انتشارات دانشکده باقرالعلوم.
- تافلر، آلون (۱۳۷۵). جا به جایی در قدرت، ترجمه شهین دخت خوارزمی، تهران: انتشارات سیمیرغ.
- جانی پور، محمد (۱۳۹۰). دفاع مقدس و قدرت نرم، با مقدمه دکتر اصغر افتخاری، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق(ع)، چاپ اول.
- حسینی، مختار (۱۳۸۱). «روابط خارجی ایران با کشورهای منطقه خاورمیانه در طول جنگ تحمیلی»، فصلنامه نگین، شماره ۲.
- حسینی، مختار (۱۳۸۲). نقش ناسیونالیسم عربی در جنگ ایران و عراق، تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس.
- خراسانی، رضا (۱۳۸۷). «جایگاه و نقش قدرت فرهنگی در سیاست خارجی و تأثیر آن بر روند تحولات جهانی»، مجله علوم سیاسی، سال یازدهم، شماره ۴۱.
- خرمشاد، محمدباقر (۱۳۸۹). «فوکو و انقلاب اسلامی ایران: معنویت‌گرایی در سیاست»، پژوهشنامه متین، شماره ۱.
- دهشیری محمدرضا (۱۳۸۰). درآمدی بر نظریه سیاسی امام خمینی (ره)، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

ربیعی، علی (۱۳۸۴). مطالعات امنیت ملی، تهران: وزارت امور خارجه.

رجبی، سهیل (۱۳۹۱). «واکاوی جایگاه و نقش استراتژیک سوریه در مناسبات منطقه ای و بین

المللی»، پانزده فصلنامه خرداد، دوره سوم سال دهم، زمستان، شماره ۳۴.

رمضانی، روح‌الله (۱۳۸۰). چارچوبی تحلیلی برای بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران،

ترجمه علیرضا طیب، تهران: نی.

رینولد، ترزا (۱۳۸۹). قدرت نرم در سیاست خارجی آمریکا در جنگ علیه عراق طی سال‌های

(۲۰۰۳-۱۹۹۱)، ترجمه مجید رسولی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، چاپ اول.

عسگری، محمد (۱۳۸۴). مقدمه ای بر فرهنگ استراتژیک، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال سوم.

علی، علیخانی (۱۳۹۳). امنیت نرم در جمهوری اسلامی ایران، ناظر: دکتر اصغر افتخاری، تهران:

دانشکده اطلاعات با همکاری مرکز مطالعات راهبردی و آموزش وزارت کشور.

فرزندی، عباسعلی (۱۳۹۱). اهمیت راهبردی سوریه برای ایران، ماهنامه پیام انقلاب، تهران: دفتر

حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای، ش ۶۲.

فرزندی، عباسعلی (۱۳۹۱). «اهمیت راهبردی سوریه برای ایران»، ماهنامه پیام انقلاب، شماره ۶۲.

قاسمیان، روح‌الله (۱۳۹۲). کنکاشی در تحولات سوریه، ریشه‌ها، بازیگران، و پیامدها، تهران:

مؤسسه مطالعات غرب آسیا.

کتاب سبز سوریه (۱۳۸۷). محل نشر تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه

گلشن پژوه، محمدرضا (۱۳۸۷). جمهوری اسلامی ایران و قدرت نرم افزاری جمهوری اسلامی

ایران، معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی، دفتر گسترش تولید علم، چاپ اول.

گلشن پژوه، محمود رضا (۱۳۸۴). «نگاهی تحلیلی بر تحولات اخیر لبنان و تأثیر آن بر حضور

سوریه در این کشور»، در گزیده تحولات جهان، شماره ۳۳.

لنچافسکی، جرج (۱۳۸۱). تاریخ خاورمیانه، تهران: انتشارات اقبال.

مرجانی نژاد احمد (۱۳۹۰). «بیداری اسلامی و جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه روابط فرهنگی

شماره ۱.

مهرنیا، حسینعلی (۱۳۹۹). «قدرت نرم و کارکرد سازمان ملل متحد در سیاست خارجی آمریکا پس

از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱»، دوفصلنامه مطالعات قدرت نرم، سال دهم، شماره اول (پیاپی ۲۲)، بهار

و تابستان.

میلسن، ژان و دیگران (۱۳۸۸). دیپلماسی عمومی نوین: قدرت نرم در روابط بین الملل، ترجمه رضا کلهر و سید محسن روحانی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)

نای، جوزف اس (۱۳۸۷) چهره های قدرت با مقدمه‌ای بر قدرت نرم، ترجمه سید محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران: پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج.

نای، جوزف، اس (۱۳۸۷) «قدرت نرم»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۲۹.

نیاکویی، س امیر (۱۳۹۱) کالبدشکافی انقلاب‌های معاصر در جهان عرب، تهران: انتشارات میزان.

نیاکویی، سید امیر و همکاران (۱۳۹۲) «تبیین راهبرد امنیتی ایران در قبال بحران سوریه ۲۰۱۳-۲۰۱۱»، فصلنامه پژوهش های سیاسی جهان اسلام، سال سوم، شماره ۱.

واعظی، محمود (۱۳۹۰). تأثیر تحولات جهانی پس از جنگ سرد بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه روابط خارجی، سال سوم، شماره اول.

یوسفی، جواد (۱۳۹۱). قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی فلسطین)، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، چاپ اول.